ز) تصحیف «المامضیه» در شرح تجرید المودی باللّه زیدی قبل از سید مرتضی

چرا جلسه سوم و ششم را گفتم؟ برای این بود که در جلسه سوم هنوز قول مودی باللّه زیدی را نمیدانستیم. من مطالب را گفتم و صاف جلو رفتیم و سر رسید. آقایان آمدند و لطف کردند نقلیاتی از زیدیه برای قرن هشتم را آوردند؛ بحر زخار و اینها بود. عرض کردم آنها هیچ مشکلی ندارد. کتب زیدیه قبل از اینها از مختلف علامه گرفتهاند. آنها هیچ مشکلی نداشت چون از نظر تاریخی متأخر بودند. چیزی که کار را مشکل کرد، کتاب شرح تجرید مودی باللّه زیدی بود که قبل از سید مرتضی بود. در آن جا به ناصر «لیلة المامضیة» را نسبت داده بود. لذا فعلاً تنها احتمالی که داریم همین است. چون نُسَخ کتاب ناصر در شمال ایران نبوده و در بغداد بوده، یکی استنساخ شدهای از آن و حتی شاید استنساخ شده هایش هم نبوده، چون تحقیق آن هنوز ماندهه. چون مودی باللّه در شرح تجرید مکرر در مکرر میگوید قال القاسم، قال الامام الهادیِ خودشان در فلان کتابش. اما هر کجا اسمی از ناصر میبرد و قول او را میگوید، نمیگوید در فلان کتابش است. یعنی هنوز برای ما معلوم نشده که کتابهای ناصر در دست او بوده ای نه. تا جایی که ما گشتیم به این صورت بود. اگر فایل متنی پیدا شود خیلی خوب است. آن زمان فایل متنی نداشتیم که سریع بگردیم. ظاهراً هنوز هم نباشد.

علی ای حال تنها چیزی که به ذهن ما آمد، این بود که متن خوب و صحیح نزد سید مرتضی بوده، سید هم به متن ناصر نگاه کردهاند. لذا فوری بعد از آن میگویند: «قال ابوی‌وسف». یعنی مقابل قول ناصر قول او را میگویند. و الاّ قول ابوی‌وسف که عین قول ناصر است! خب قبلش میگویند «الیه ذهب ابوحنیفه»، بعد بگویند «قال ابوی‌وسف»؟! معنا ندارد. اینها احتمالاتی بود که در مباحثه بحث کردیم. در ادامه به قرینههای رسیدیم که دیگر تردید را تمام کرد. کلمه «خالفنا» و «احتیاطا» بود. دنباله اش را ببینید:

اهمیت تاریخ مذاهب اربعه اهل سنت

«وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله»؛ عباراتی که سید در اینجا میآورند اگر در الخلاف سید هم باشند، تلخیص شیخ الطائفه برای ما خیلی روشن میشود. شیخ اینها را دیگر حذف کردهاند. یعنی چون خلاف شیخ الطائفه متمحض در فقها بوده، حرف احمد را نیاوردهاند. سید در اینجا گفته بودند که احمد دو قول دارد. شیخ گفته اند ما دیگر کاری با احمد نداریم. لذا میگویند: «و به قال جمیع الفقهاء». او را جزء محدثین حساب کرده.

نمی‌دانم تاریخ مذاهب اربعه را ملاحظه کرده ای نه. حنبلی ها به‌عنوان مذهب چهارم بعدها ملحق شدند. مدت زیادی طاهریه بودند. تاریخ مذاهب اربعه تاریخ مهمی است. حنبلی ها به نظرم در قرن هفتم بودند. نمی‌دانم در فدکیه آمده ای نه. ولی جالب است. تاریخ خود مذاهب اربعه خیلی روشن نیست و وضوح تاریخیای ندارد.

چندبار دیگر [این خاطره را]عرض کرده ام؛ در مسجد الحرام سه-چهار نفر از علماء بودند. مرحوم حاج آقای محفوظی، مرحوم حاج آقای قرهی مُحرم بودند. عمامه نداشتند. ولی خب پیرمردهایی [نورانی] بودند. یک آقایی آمد. قد بلندی هم داشت. خیلی جذب قیافه این چند پیرمرده شد. نزدیک آمد و سلام گرمی کرد. خیلی خوشش آمده بود. بعد گفت شما اهل کجا هستید؟ یکی از آن‌ها جواب داد که ما از اران هستیم. مرحوم آقای قرهی اضافه کردند «جعفریه»! می‌خواستند بگویند: ما جعفری هستیم. همین که ایشان جعفریه را گفتند یک نگاه کرد و بعد گفت: «کل العالم ارب مذاهب»؛ یعنی این چه مذهبی است که شما می‌گویید و من تا به حال نشنیده ام؟! کل العالم ارب مذاهب؟! حنبلی را ببینید چه زمانی آمده. قبلش طاهریه بودند. این حزم که از مفتین بزرگ منطقه غرب آندلس بود ظاهری است. نه حنفی است و نه مالکی است و نه شافعی است.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 13:57:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 13:59:15 توسط ... .